

رابطه اعتماد اجتماعی با گونه‌های شخصیتی

(مورد مطالعه استادان، کارکنان و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال)

افسانه ادیسی^۱، احسان رحمانی خلیلی^۲،

میترا معظمی^۳، سیده نرگس حسینی امین^۴

چکیده

اعتماد شیوه اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی و شرط اساسی برای یک جامعه سالم است. در رویکرد روان‌شناختی - اجتماعی منشأ اعتماد اجتماعی، در شخصیت افراد جستجو می‌شود. هدف این مقاله شناسایی رابطه گونه‌های شخصیتی با اعتماد اجتماعی می‌باشد. رویکرد مقاله توصیفی - همبستگی، روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری شامل استادان، کارکنان و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال در سال ۱۳۸۹ می‌باشد که در حجم نمونه هزار و ۲۱۲ نفر اجرا شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که میزان اعتماد اجتماعی در سه گروه تفاوت معناداری دارد. کمترین میزان اعتماد اجتماعی مربوط به دانشجویان و بیشترین آن در بین استادان است. رابطه اعتماد اجتماعی با گونه‌های شخصیتی برون‌گرایی، انسجامی و شناختی در هر سه گروه معنادار و رابطه آنها به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد. همچنین رابطه اعتماد اجتماعی با گونه شخصیتی نژندی فقط در گروه استادان معنادار شده که این رابطه منفی و معکوس است.

واژه‌های کلیدی

اعتماد اجتماعی، گونه شخصیتی، برون‌گرایی، نژندی، انسجامی و شناختی

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۷/۰۲

edrisiafssaneh@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، عضو باشگاه پژوهشگران جوان
ehsan5171@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

۴. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، عضو باشگاه پژوهشگران جوان

❖ مقدمه

❖ سال سیزدهم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۱

موقعیت‌هایی که ارتباط افراد توأم با اعتماد است، نه فقط برای طرفین بلکه برای جامعه نیز مفید است. ارتباط توأم با اعتماد، نوعی نظم، ترتیب و احساس امنیت ایجاد می‌کند و بدین ترتیب همکاری بین افراد ادامه می‌یابد. اعتماد، تجربه‌های خوشایندی در فرد ایجاد می‌کند و علاوه بر آن می‌تواند به خوش‌بینی فزاینده منجر شده و موجب پیدایش فرهنگ اعتماد شود.

ارتباط توأم با اعتماد بین افراد کارکردهای قابل توجهی برای فرد معتمد دارد. مهم‌ترین کارکرد آن، این است که اعتبار فرد را بالا می‌برد و این امر ممکن است در ارتباطات آتی، مزایای بیشتری به دنبال داشته باشد؛ ولی سلب اعتماد شانس ارتباطات و فعالیت‌های مفید را در آینده از بین خواهد برد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

در مباحث روان‌شناسی اجتماعی، اعتماد یک نگرش مثبت به فرد یا امر خارجی در نظر گرفته می‌شود و در بین مناسبات بین فرد و جامعه، اعتماد در سطح افراد نسبت به افراد دیگر یا پدیده‌های بیرونی سنجیده می‌شود. در این دیدگاه چون اعتماد فرایندی است که در جریان جامعه‌پذیری آموخته می‌شود به دو بعد فردی و اجتماعی که در یک طرف اعتمادشونده و در دیگر سو اعتمادکننده وجود دارد، توجه می‌شود (محسنی‌تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۵).

اعتماد، دارای کارکردهای مهمی است که برخی از آنها عبارت‌اند از: اعتماد، در جهت اجتماعی بودن، همکاری و مشارکت با دیگران در انواع انجمن‌ها، از افراد حمایت می‌کند و از این طریق شبکه ارتباطات بین فردی را تقویت می‌کند. اعتماد، به گسترش ارتباطات کمک می‌کند و با جلوگیری از کنش جمعی خودبه‌خودی بر «جهل همگانی» غلبه می‌نماید. اعتماد، به تحمل‌پذیری غریبه‌ها و شناخت تفاوت‌های سیاسی و فرهنگی به‌عنوان یک امر قانونی در افراد کمک می‌کند. فرهنگ اعتماد،

۳۷ ❖ رابطه اعتماد اجتماعی با گونه‌های شخصیتی

❖ سال سیزدهم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۱

پیوند فرد و اجتماع (خانواده، ملت، کلیسا، دانشگاه و نظایر آن) را قوت می‌بخشد، احساس هویت را در بین افراد گسترش می‌دهد و انسجام جمعی را که موجب همکاری، کمک متقابل و حتی تمایل به فداکاری به خاطر دیگران می‌شود را بین آنان برقرار می‌سازد. در نتیجه هزینه معامله‌ها به‌طور معنی‌داری کاسته می‌شود.

از طرف دیگر، بی‌اعتمادی نیز تبعاتی دارد که عبارت‌اند از: فرسایش سرمایه اجتماعی، گسستن پیوندها و از بین رفتن شبکه روابط بین‌فردی؛ اعتماد نداشتن، شبکه‌های ارتباطی بین افراد را مسدود کرده و منجر به جدایی اعضای جامعه از یکدیگر و گسترش بی‌اعتنایی و جهل همگانی می‌شود. بی‌اعتمادی نه تنها موجب تجهیز افراد به برخوردهای تدافعی، باورهای خصمانه، شایعه‌ها و تصورات قالبی شده، بلکه سبب بیگانگی‌ستیزی صریح و آشکار نیز است. بی‌اعتمادی با تحریک و برانگیختن افراد در جهت جستجو برای یافتن جانشین‌ها اغلب برای پذیرش هویت‌های غیرقانونی (در باندهای تبهکاری، گروه‌های مافیا، خرده‌فرهنگ‌های منحرف و نظایر آن) فرد را از حالت فردیت خارج کرده، از خود بیگانه ساخته و فرصت‌های همکاری را از بین می‌برد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۲۲-۱۱۸).

در رویکرد روان‌شناختی اجتماعی منشأ اعتماد اجتماعی، در شخصیت افراد جستجو می‌شود. اعتماد معمولاً مربوط به ظرفیت شخصی برای اتکاء و وابستگی یا ایجاد اطمینان در دقت، اعتبار و رفتار شخص دیگر می‌باشد (Moore, 1989)؛ به نقل از امیرکافی، (۱۳۷۵: ۸). بر این اساس، اعتماد اجتماعی بخشی از یک ویژگی گسترده‌تر خصوصیات شخصیتی است که شامل خوش‌بینی، اعتقاد به همکاری و اطمینان به این موضوع است که افراد می‌توانند اختلاف‌هایشان را کنار بگذارند و با یکدیگر زندگی اجتماعی رضایتمندانه‌ای داشته باشند. اعتماد و خوش‌بینی جزء جدایی‌ناپذیر همان تمایل عمومی به زندگی جمعی هستند. برعکس، کسانی که به دیگران اعتماد نمی‌کنند،

انسان‌های بدبین و منفی‌بافی هستند که قابلیت‌های همکاری اجتماعی و سیاسی را باور ندارند (عبدالملکی، ۱۳۸۷: ۹۵). این رویکرد معتقد است، کسانی که اعتماد می‌کنند موفق‌ترند و از آنجا که موفق هستند، مورد احترام دیگران‌اند و بنابراین احساس اعتماد در آن‌ها بیشتر تقویت می‌شود. به عبارت بهتر ویژگی اعتمادکننده بر رابطه بین اعتمادکننده و معتمد رجحان دارد. زتومکا انگیزه‌های اعتماد نمودن را به دو دسته خاص و عام تقسیم می‌کند. ممکن است اعتماد به دسته خاصی از مردم ارجاع داده شود یا کل مردم را شامل شود که در دومی اغلب با جهت‌گیری عام همچون خوش‌بینی، گشاده‌رویی، فعال بودن، آینده‌گرایی، میل به موفقیت و مانند آن پیوند دارد (زتومکا، ۱۳۸۶: ۱۱۹). با این بینش، کم یا زیاد بودن اعتماد به ویژگی‌های فردی اشخاص مربوط می‌شود.

آنچه موجب شد اعتماد اجتماعی در دانشگاه مورد توجه و انتخاب قرار گیرد، اهمیت و جایگاه اعتماد اجتماعی در تعامل‌های علمی دانشگاه است. در فضای دانشگاهی تعامل‌های علمی بیشتر از نوع روابط غیررسمی تبعیت می‌کند و اصل مهم در بسترسازی چنین روابطی اعتماد اجتماعی است (ادریسی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱).

سوال‌ها

- در این مقاله با هدف تبیینی به دنبال پاسخگویی به این سوال‌ها هستیم که:
- اعتماد اجتماعی در بین سه گروه استادان، کارکنان و دانشجویان به چه میزانی می‌باشد؟
 - ویژگی‌های شخصی (برون‌گرایی، نژندی، انسجامی و شناختی) در بین سه گروه استادان، کارکنان و دانشجویان چگونه می‌باشد؟
 - رابطه اعتماد اجتماعی با ویژگی‌های شخصی (برون‌گرایی، نژندی، انسجامی و شناختی) در سه گروه چگونه می‌باشد؟

ادبیات نظری و پیشینه موضوع

در حوزه روان‌شناسی، اعتماد را به‌عنوان ویژگی فردی مطرح و بر احساسات، عواطف و ارزش‌های فردی تأکید می‌کنند و نظریه‌های شخصیت و متغیرهای فردی را مورد توجه قرار می‌دهند. بر اساس این دیدگاه اعتماد با مفاهیمی چون همکاری، صداقت، وفاداری، صمیمیت، امید و دگرخواهی ارتباطی نزدیک برقرار می‌کند (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۳). امروزه در بررسی انواع و اقسام آزمون‌های شخصیت پنج عامل به‌دست آمده که تحت عنوان خمسه کبیره خوانده می‌شود و بسیاری از پژوهشگران صفات شخصیتی، در مورد این پنج بعد اجماع کرده‌اند.

این عوامل شامل برون‌گرایی، وجدان‌گرایی، توافق‌پذیری، اشتیاق برای تجارب تازه و روان‌نژندی‌گری می‌باشد (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۱: ۸۵). آیزنک در بررسی شخصیت به دو عامل پایه‌ای شخصیت یعنی درون‌گرایی - برون‌گرایی و بی‌ثباتی - باثباتی هیجانی اشاره دارد که ویژگی قابل اعتماد بودن در قطب باثباتی و خوش‌بینی در بعد برون‌گرایی قرار می‌گیرد (همان: ۸۴).

زتومکا معتقد است که نشانگان شخصیتی خلق و خو اخلاقی است که در فرد وجود دارد و به‌طور مستقیم در تولید عمل اعتماد اثرگذار هستند و وقتی در سطح گسترده و در جامعه به آن پرداخته می‌شود تحت عنوان خلیات اجتماعی از آن یاد می‌گردد. خلیات اجتماعی شامل: نشانگان شخصیتی انگیزه اعتماد کردن، فعال‌گرایی، خوش‌بینی، جهت‌گیری معطوف به آینده، سطح بالای آرزوها و جهت‌گیری معطوف به موفقیت می‌شود. در مقابل انفعال‌گرایی، حال‌گرایی، جهت‌گیری تقلیدی، سطوح پائین آرزوها و هم‌نوایی، نشانگان شخصیتی هستند که موجب ظهور فرهنگ اعتماد و بی‌اعتمادی می‌شوند و از طریق تقلید، همانندسازی و تأیید متقابل افزایش می‌یابند (زتومکا، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

اعتماد ریشه در اجتماعی شدن فرد در دوران کودکی دارد و در مراحل بعدی تجارب زندگی و اعتماد متقابل مطرح می‌شود که اعتماد بنیادی فرد را می‌سازد. باربلت معتقد است اعتماد بنیادی با رنگ و بوی عاطفی خلق می‌شود و آن را شامل «عواطف اجتماعی» بنیادی یعنی «اطمینان، اعتماد و وفاداری می‌داند که تشکیل‌دهنده شالوده حیات اجتماعی هستند» (1996: 75).

نظریه پردازانی چون اریکسون، کلمن، بلاو، جانسون و کریستوفر از منظر نظریه‌های خرد به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد پرداخته‌اند، همه این نظریه‌پردازان اعتماد را به‌عنوان یک ویژگی فردی و متأثر از کنش‌های افراد در نظر می‌گیرند. در این رهیافت، یک پارادایم شخصیتی درباره اعتماد مطرح کرده و به زمینه اجتماعی آن توجه زیادی ندارند. این دیدگاه در حالت خرد به دو گرایش عمده تقسیم می‌شود:

الف. اعتماد، گرایی است مبتنی بر یادگیری که در ابتدای کودکی شکل گرفته و حتی در زندگی آینده افراد نیز اثرگذار است؛ این روند، به‌صورت تدریجی و تحت تأثیر تجربه‌های دوران کودکی، برای همیشه ماندگار می‌شود همانند تجربه‌های آسیب‌زای روانی. این دیدگاه، اخیراً، توسط اریک پوزلنز، بررسی شده است. وی استدلال می‌کند که ما اعتماد نخستین خود را در زندگی با والدینمان می‌آموزیم. در واقع اعتماد تحت تأثیر یادگیری اولیه اشخاص در ارتباط نزدیک با والدینشان شکل می‌گیرد.

ب. اعتماد، گرایی است برای جامعه‌پذیری که نه تحت تأثیر شخصیت درونی افراد و تجربه‌های آغازین آنها بلکه تحت تأثیر انعکاس‌های اعمال دیگران در روابط متقابل چهره‌به‌چهره و محصولی از تجارب زندگی دوران بزرگسالی افراد است. این رویکرد را «نظریه خوشبختی و موفقیت اجتماعی» نامیده‌اند که بر تجربه‌های زندگی بزرگسالی تأکید می‌کند. در این بینش، اعتماد نتیجه تجربه عمل متقابل

۴۱ ❖ رابطه اعتماد اجتماعی با گونه‌های شخصیتی

❖ سال سیزدهم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۱

نیست بلکه نتیجه خصیصه شخصیتی است. در این گرایش آموخته‌های دوران کودکی به نسبت تجربه‌های فرد در طول زمان زندگی او بسیار کم‌رنگ‌تر است و بیشتر تجربه‌های فردی وی در دوران بزرگسالی هستند که اعتماد را می‌سازند (Uslaner, 2000).

بسیاری از عالمان اجتماعی معتقدند که اعتماد در اثر تجربه‌های مختلف به‌کندی تغییر می‌کند و تجربه در این دیدگاه با اهمیت قلمداد می‌شود. اعتماد ممکن است با تجربه‌ای تلخ کاهش شدیدی پیدا کند و با تجربه‌ای شیرین به‌طور آهسته تقویت شود. تنزل اعتماد به‌سرعت انجام می‌گیرد یعنی بی‌اعتمادی با یک جرعه احساس بی‌اعتماد شدن به دیگران، به‌سرعت پائین می‌آید، ولی تقویت اعتماد فرایندی کند و مشمول زمان است. بنابراین اگر افراد جامعه‌ای اعتماد خود را نسبت به فضای جامعه از دست بدهند، زمان جبران بسیار طولانی خواهد بود.

مونچ (۱۹۸۸) شخصیت را رابط بین نظام ارگانیک و نظام اجتماعی دانسته و معتقد است شخصیت به‌عنوان نظام تمایل‌ها از طریق نفوذ متقابل نیازهای ارگانیک و انتظارات اجتماعی طی فرایند جامعه‌پذیری و درونی شدن شکل می‌گیرد. او با استفاده از چارچوب اجیل پارسونز نظام شخصیت را متشکل از چهار قطب می‌داند که در فرایند جامعه‌پذیری تشکیل می‌شود:

A؛ هوش (استعداد یادگیری تعمیم‌یافته است که از طریق آن کنشگر به نقشه‌های شناختی دست می‌یابد و اطلاعاتش را افزایش می‌دهد).
G؛ ظرفیت اجرا (نیازها و توانایی‌های بالقوه‌ای است که به شکل ژنتیکی در فرد وجود دارد).

I؛ عاطفه و تعهد (هنجاری شدن نیازهای ارگانیک فردی می‌باشد. هر چقدر این قطب عمده شود احساس مثبت فرد نسبت به جمع افزایش می‌یابد و در وضعیت بالعکس

❖ احساس منفی و نوعی بدخواهی در فرد شکل می‌گیرد. هر قدر وابستگی عاطفی در اثر برخورد با محیط‌های اجتماعی مختلف بیشتر باشد این قطب بسط یافته و شخص را برای تنظیم رفتار خود با دیگران و ملاحظه انتظار آنها بیشتر آماده می‌سازد.

L؛ خودتنظیمی و هویت (نماد یا راه‌های تعمیم‌یافته در اختیار فرد می‌گذارد و از این طریق کنترل او را بر محیط افزایش می‌دهد).

تعادل نظام شخصیت حاصل نفوذ متقابل و هماهنگی بین این قطب‌ها می‌باشد. مونچ شخصیت پیشرفته را شخصیتی می‌داند که در آن تفکیک و انسجام صورت گرفته باشد طوری که ضمن اینکه قطب‌های کنترل شخصیت اعم از هوش، ظرفیت اجرا، وابستگی تعمیم یافته و هویت فردی رشد یافته، در عین حال همگی آنها در یکدیگر نفوذ کرده باشند. در این صورت فرد قادر است تا در نظام اجتماعی به ایفای نقش پردازد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۲۸).

در رابطه با بحث اعتماد، نفوذ در قطب GI بیشتر قابل توجه است. در اثر نفوذ متقابل تمایل‌های فردی با انتظارات اجتماعی یا در نتیجه حشرونشر ارگانسیم با محیط اجتماعی به بیان فرویدی من برتر شکل می‌گیرد. افرادی که با هم رابطه تعاملی برقرار می‌کنند و در میدان‌های تعاملی درگیر می‌شوند، به بده‌بستان‌های عاطفی می‌پردازند و با بسط سرمایه‌گذاری عاطفی نوعی احساس تعلق خاطر یا هویت جمعی در میان آنان شکل می‌گیرد و «ما» ایجاد می‌شود. این امر آشکارا بدین معنی است که «ما»، در شخصیت شکل می‌گیرد و وجودش را از طریق انتقال انتظارات اجتماعی تحمیل می‌کند. با شکل‌گیری «ما» بعد عاطفی عمده می‌گردد، افراد نسبت به هم نوعی دلبستگی عاطفی پیدا می‌کنند. آنها دیگر صرفاً به خاطر نیازهای عادی‌شان با دیگران رابطه برقرار نمی‌کنند؛ آنها دیگر هم‌نوعان خود را رقیب و دشمن نمی‌پندارند و از اینکه در میان آنها هستند احساس امنیت می‌کنند و این خود اعتماد را

۴۳ ❖ رابطهٔ اعتماد اجتماعی با گونه‌های شخصیتی

❖ سال سیزدهم، شمارهٔ هجدهم، تابستان ۱۳۹۱

در میان‌شان بالا می‌برد. همچنین در راستای محور GL-GI دو تمایل اشتقاقی شامل وابستگی تعمیم‌یافته و میل به خودتنظیمی شکل می‌گیرد. میل به وابستگی تعمیم‌یافته در نتیجهٔ نفوذ متقابل فعال‌گرایی، پیوستگی عاطفی، سازگاری و عقلانیت به وجود می‌آید. شکل‌گیری این تمایل هم‌زمان با رفتن کودک به مدرسه است، او یاد می‌گیرد که علاوه بر اعضای خانواده‌اش، معلم، هم‌کلاسی، همشهری و هم‌وطن خود را دوست داشته باشد. به‌طور کلی هر قدر تعمیم عاطفی بیشتر صورت گیرد، اعتماد و به دنبال آن پیوندهای گروهی افزایش می‌یابد (همان: ۲۳۲). چلبی بر اساس تحلیل مدل پارسونز چهار بعد عمده برای نظام شخصیت در قالب اجیل قائل شده است. چهار بعد اصلی نظام شخصیت عبارت‌اند از: بعد برون‌گرایی، نژندی، انسجامی و شناختی. جدول زیر ابعاد چهارگانهٔ اصلی نظام شخصیت را در قالب اجیل نشان می‌دهد:

G	برون‌گرایی (فعال‌گرایی)	A
I	نژندی (اضطراب)	L
	انسجامی (معاشرت‌پذیری)	شناختی (نمادی)

ابعاد چهارگانهٔ نظام شخصیت

ابعاد چهارگانه‌ای که در قالب اجیل از هم تمیز داده شده‌اند، هر کدام یا ترکیبی از آنها اغلب در الگوهای شخصیتی موجود در ادبیات روان‌شناسی شخصیت کم‌وبیش وجود دارند؛ مثل الگوی شخصیتی آیزنک (ابعاد برون‌گرایی و نژندی)، الگوی کتل، الگوی یونگ (ابعاد برون‌گرایی و شناختی)، الگوی پنج عاملی FFM (تقریباً هر چهار بعد).

در این الگوی مفهومی شخصیت، هر یک از وجوه چهارگانهٔ نظام شخصیت یک بعد دو قطبی^۱ قلمداد شده است. منتهی هر بعد به اعتبار و با نام یکی از آن قطب‌ها معرفی شده است. مثلاً بعد برون‌گرایی، طیفی دو قطبی است که در یک طرف آن

1. Bipolardimension

❖ قطب برون‌گرایی و در طرف دیگر - یعنی قطب مقابل - درون‌گرایی قرار دارد. در ضمن، هر یک از ابعاد به لحاظ مفهومی از مجموعه‌ای از اجزاء (عناصر) تشکیل شده‌اند. به سخن دیگر، اجزای تشکیل‌دهنده هر بعد، تمایل‌های هنجاری شده‌ای هستند که در خلال فرایند جامعه‌پذیری و از طریق درونی کردن محیط‌های اثباتی، اجتماعی و فرهنگی مختلف و گوناگون به وجود آمده‌اند. در واقع، کم‌وکیف همین تمایل‌ها و چندوچون و نحوه ترکیب آنها با یکدیگر در راستای چهار بعد نظام شخصیتی است که در نهایت نظام شخصیتی فرد معینی را به صورت انضمامی مشخص می‌کند (چلبی، ۱۳۸۱: ۹۲ - ۹۱).

فرضیه‌ها

در این مقاله با رویکرد نظری خرد و ابعاد چهارگانه شخصیت مدل پارسونزی به تبیین اعتماد اجتماعی در فضای دانشگاهی پرداخته می‌شود که بر این اساس فرضیه‌های مقاله عبارت‌اند از:

فرضیه ۱: میزان اعتماد اجتماعی در سه گروه استادان، کارکنان و دانشجویان تفاوت معناداری دارد.

فرضیه ۲: اعتماد اجتماعی با ویژگی‌های گونه شخصیتی برون‌گرایی همبستگی معناداری دارد.

فرضیه ۳: اعتماد اجتماعی با ویژگی‌های گونه شخصیتی نژندی همبستگی معناداری دارد.

فرضیه ۴: اعتماد اجتماعی با ویژگی‌های گونه شخصیتی انسجامی همبستگی معناداری دارد.

فرضیه ۵: اعتماد اجتماعی با ویژگی‌های گونه شخصیتی شناختی همبستگی معناداری دارد.

روش

رویکرد مقاله توصیفی - همبستگی است که به دنبال شناسایی رابطه گونه‌های شخصیتی با اعتماد اجتماعی است و از لحاظ روش، یک تحقیق پیمایشی به حساب می‌آید و واحد تحلیل آن فرد می‌باشد. از لحاظ معیار زمان، یک تحقیق مقطعی است که در یک زمان صورت گرفته و واقعیت را در یک برهه از زمان یعنی در سال ۱۳۸۹ بررسی می‌کند و در نهایت با توجه به اینکه به دنبال شناخت و کمک به حل یک مسئله اجتماعی است، در دسته تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد.

جامعه آماری شامل کلیه استادان، کارکنان و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال سال ۱۳۸۹ می‌باشند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه است و برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. محاسبه حجم نمونه با این فرمول نیازمند آماره‌های مختلفی از جمله واریانس متغیر اصلی تحقیق (متغیر وابسته) می‌باشد که این مقدار را حداکثر مقدار ۰/۵ انتخاب شده است. نمونه انتخابی، جهت اطمینان ۱۰ درصد بیش از حجم نمونه برآورد شده انتخاب شد که پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص و داده‌های پرت، این تعداد به هزار و ۲۱۲ پرسش‌نامه رسید. انتخاب نمونه با تلفیق نمونه‌گیری خوشه‌ای و طبقه‌بندی متناسب صورت گرفته است، ۹ دانشکده و حوزه ستادی که فقط شامل کارکنان بوده به‌عنوان طبقه در نظر گرفته شده است.

تعریف عملیاتی متغیرها

تعریف عملیاتی متغیر وابسته

اعتماد اجتماعی: با سه بعد اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد به نهادها سنجیده شده است.

۱. اعتماد بین‌شخصی: اعتماد به آشنایان که از آن به اعتماد خاص، اعتماد شخصی (Hughes and etal, 2000) یا اعتماد اجتماعی به آشنایان (Cox and Caldwell, 2000)

❖ نیز نام برده شده است. این نوع اعتماد معمولاً در شبکه‌های اجتماعی و روابط پایدار دیده می‌شود.

۲. اعتماد تعمیم‌یافته: نوع دوم اعتماد بیشتر شامل اعتماد به بیگانگان است. این نوع اعتماد بر اساس انتظارات رفتاری یا حس هنجارهای مشترک شکل می‌گیرد (AIFS, 1991).

۳. اعتماد نهادی / مدنی: علاوه بر اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد مدنی یا نهادی آن جنبه از اعتماد است که بیشترین پیشینه را در تحقیقات اجتماعی به خود اختصاص داده است. اعتماد نهادی یا مدنی اشاره به اعتماد اساسی بر نهادهای رسمی حکومت شامل قوانین، رویه‌های رسمی، حل نزاع و تخصیص منابع دارد (Cox and Caldwell, 2000: 43-73). این سه بعد با شش شاخص برگرفته از نظری، جانسون سنجیده می‌شوند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: صداقت، صراحت، اطمینان، ریسک، همکاری و سهم شدن.

تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل

چلبی بر اساس تحلیل مدل پارسونز چهار بعد عمده برای نظام شخصیت در قالب اجیل قائل شده است. چهار بعد اصلی نظام شخصیت عبارت‌اند از: بعد برون‌گرایی، نژندی، انسجامی و شناختی که به اجمال به معرفی مفهومی هر یک از این ابعاد می‌پردازیم و به همراه آن اجزای اصلی (تمایل‌ها) را در هر بعد فهرست‌وار برمی‌شماریم.

بعد برون‌گرایی (A) از اجزا یا تمایل‌هایی تشکیل شده است که میزان و کیفیت میل به فعال شدن روی محیط‌ها را به صورت اثباتی جهت رفع حوائج فردی، تسلط بر محیط و نیل به اهداف می‌رسانند. تمایل‌های تشکیل‌دهنده این بعد عبارت‌اند از: میل به فعال‌گرایی آنی، میل به انطباق با محیط اثباتی، میل به کسب موفقیت و تمایل به کنترل محیط.

رابطهٔ اعتماد اجتماعی با گونه‌های شخصیتی ❖ ۴۷

❖ سال سیزدهم، شمارهٔ هجدهم، تابستان ۱۳۹۱

بعد نژندی (G) از عناصری تشکیل شده است که تمایل به اضطراب، بی‌اعتمادی و یأس را می‌سازد. اجزای تشکیل‌دهندهٔ این بعد عبارت‌اند از: میل به اضطراب درونی، میل به اضطراب بیرونی، میل به اعتماد انضمامی (شخصی) و یأس.

بعد انسجامی (I) شامل تمایل‌های معاشرت‌پذیری است. اجزای آن عبارت‌اند از: میل به وابستگی عاطفی انضمامی، میل به سازگاری اجتماعی، میل به تعهد انضمامی، میل به وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته، میل به خودتنظیمی، میل به تعهد تعمیم‌یافته، میل به عام‌گرایی و میل به بردباری اجتماعی.

بعد نمادی (L) شامل تمایل‌های شناختی است. تمایل‌های سازندهٔ این بعد عبارت‌اند از: میل به تجربه‌گرایی، میل به خردورزی، میل به اجتناب از عدم تعین شناختی، میل به نمادگرایی، میل به آینده‌نگری و میل به برنامه‌ریزی (چلبی، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۱).

اعتبار^۱ و قابلیت اعتماد^۲

در پرسش‌نامهٔ محقق‌ساخته از اعتبار محتوایی^۳ استفاده شده است و بر این نکته تأکید دارد که آیا تعاریف ارائه‌شده، مفاهیم مورد نظر را می‌سازد یا خیر. برای تأمین روایی محتوایی مفهوم اعتماد اجتماعی از شیوهٔ توافق داوران استفاده شد و ضمن مشورت با استادان مجرب از پیشنهاد‌های ایشان در جهت رفع ایرادهای مربوط به تعاریف مفاهیم اصلی تحقیق و سوال‌های مربوط به سنجش آنها، استفاده شد. برای سنجش میزان روایی از روش آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است؛ پرسش‌نامه در یک اجرای مقدماتی با حجم نمونه‌ای معادل ۳۵ نفر که به‌صورت تصادفی انتخاب شدند، صورت گرفت. میزان آلفای کرونباخ متغیر اعتماد اجتماعی ۰/۸۲، ویژگی‌های گونهٔ شخصیتی برون‌گرایی با میزان آلفای ۰/۷۲، ویژگی‌های گونهٔ

1. Validity
2. Reliability
3. Content Validity

❖ شخصیتی نژندی با میزان آلفای ۰/۶۸، ویژگی‌های گونه شخصیتی انسجامی با میزان آلفای ۰/۷۸ و ویژگی‌های گونه شخصیتی شناختی با میزان آلفای ۰/۷۴ است که در مجموع نتایج آزمون آلفای تمام متغیرها در حوزه علوم انسانی مقدار مناسبی می‌باشد و متغیرها از روایی مطلوبی برخوردارند (ادریسی، ۱۳۸۶: ۶۵).

یافته‌ها

یافته‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی بررسی شده است که در ادامه ارائه می‌شود.

یافته‌های توصیفی

در جدول ۱ به توصیف متغیر اعتماد اجتماعی، گونه‌های شخصیتی برون‌گرایی، نژندی، انسجامی و شناختی به تفکیک در سه گروه استادان، کارکنان و دانشجویان و دیگر متغیرهای مستقل پرداخته شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصدی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته

اعتماد اجتماعی	گونه شخصیتی شناختی		گونه شخصیتی انسجامی		گونه شخصیتی نژندی		گونه شخصیتی برون‌گرایی		متغیرها / طبقات		
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
۱۸/۱	۴۶	۱۳/۴	۳۴	۱۸/۹	۴۸	۲۸/۳	۷۲	۶/۳	۱۶	کم	استادان
۶۰/۶	۱۵۴	۶۵/۴	۱۶۶	۵۵/۱	۱۴۰	۵۹/۸	۱۵۲	۵۵/۹	۱۴۲	متوسط	
۳/۲۱	۵۴	۲۱/۳	۵۴	۲۶/۰	۶۶	۱۱/۸	۳۰	۳۷/۸	۹۶	زیاد	
۱۰۰/۰	۲۵۴	۱۰۰/۰	۲۵۴	۱۰۰/۰	۲۵۴	۱۰۰/۰	۲۵۴	۱۰۰/۰	۲۵۴	مجموع	
۹/۳	۲۶	۶/۴	۱۸	۲/۹	۸	۱۰/۰	۲۸	۶/۴	۱۸	کم	کارکنان
۶۶/۴	۱۸۶	۳۲/۱	۹۰	۳۷/۱	۱۰۴	۷۱/۴	۲۰۰	۲۲/۱	۶۲	متوسط	
۲۴/۳	۶۸	۶۱/۴	۱۷۲	۶۰/۰	۱۶۸	۱۸/۶	۵۲	۷۱/۴	۲۰۰	زیاد	
۱۰۰/۰	۲۸۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	۱۰۰/۰	۲۸۰	مجموع	
۹/۴	۶۴	۳۰/۲	۲۲	۸/۶	۵۸	۲۱/۸	۱۴۸	۷/۷	۵۲	کم	دانشجویان
۶۰/۸	۴۱۲	۵۳/۴	۳۶۲	۵۷/۵	۳۹۰	۶۴/۶	۴۳۸	۶۷/۶	۴۵۸	متوسط	
۲۹/۸	۲۰۲	۴۳/۴	۲۹۴	۳۳/۹	۲۳۰	۱۳/۶	۹۲	۲۴/۸	۱۶۸	زیاد	
۱۰۰/۰	۶۷۸	۱۰۰/۰	۶۷۸	۱۰۰/۰	۶۷۸	۱۰۰/۰	۶۷۸	۱۰۰/۰	۶۷۸	مجموع	

در گروه دانشجویان، گونه‌های شخصیتی در طبقه بالا به ترتیب شناختی،

❖ ۴۹ رابطه اعتماد اجتماعی با گونه‌های شخصیتی

❖ سال سیزدهم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۱

انسجامی، برون‌گرایی و نژندی، در گروه استادان، گونه‌های شخصیتی در طبقه بالا به ترتیب برون‌گرایی، انسجامی، شناختی و نژندی، در گروه کارکنان، گونه‌های شخصیتی در طبقه بالا به ترتیب برون‌گرایی، شناختی، انسجامی و نژندی و میزان اعتماد اجتماعی در سطح بالا به ترتیب در گروه استادان، کارکنان و دانشجویان است.

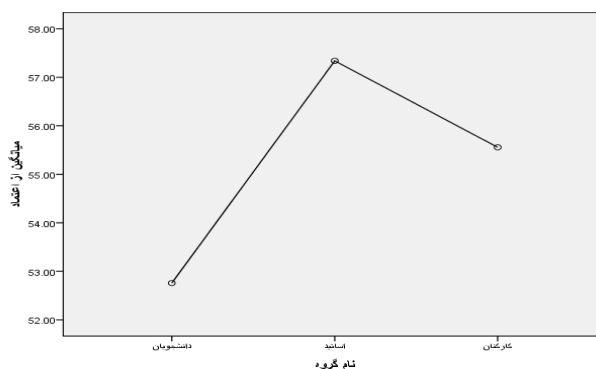
یافته‌های استنباطی

بررسی فرضیه ۱. میزان اعتماد اجتماعی در سه گروه استادان، کارکنان و دانشجویان تفاوت معناداری دارد.

جدول ۲. آزمون F (تحلیل واریانس) بین دانشکده‌های مختلف

Sig	F	میانگین مجزورات	Df	مجموع مجزورات	
۰۰۰	۲۱/۵۰۸	۲۱۹۷/۲۵۵	۲	۴۳۹۴/۵۱۱	بین گروهی
		۱۰۲/۱۵۹	۱۲۰۹	۱۲۳۵۱۰/۲۹۸	درون گروهی
			۱۲۱۱	۱۳۷۹۰۴/۸۰۹	مجموع

نتایج آزمون ANOVA در فاصله اطمینان ۹۹ درصد با سطح معناداری Sig=0.000 و میزان F=21.50 حاکی از آن است که میزان اعتماد اجتماعی در بین سه گروه استادان، کارکنان و دانشجویان تفاوت معناداری دارد. بنابراین با توجه به اطلاعات موجود، فرضیه تحقیق تأیید و فرضیه Ho رد می‌شود.



نمودار ۱. نمودار خطی مقایسه میانگین‌ها در گروه‌های مختلف

با توجه به نمودار ۱ کمترین میزان اعتماد اجتماعی مربوط به دانشجویان و بیشترین میزان اعتماد در بین استادان است.

بررسی فرضیه ۲. اعتماد اجتماعی با ویژگی‌های گونه‌شناسی برون‌گرایی همبستگی معناداری دارد.

جدول ۳. آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و ویژگی‌های گونه‌شناسی برون‌گرایی

گونه‌شناسی برون‌گرایی	استادان	کارکنان	دانشجویان
r	/.۳۹۱**	/.۵۳۹**	/.۳۰۰**
Sig	/.۰۰۰	/.۰۰۰	/.۰۰۰
N	۲۵۴	۲۸۰	۶۷۸

با توجه به نتایج به دست آمده رابطه یا همبستگی اعتماد اجتماعی با گونه‌شناسی برون‌گرایی در هر سه گروه معنادار و رابطه آنها مثبت و مستقیم می‌باشد. همچنین شدت این رابطه در کارکنان بیشتر از دو گروه دیگر و استادان بیشتر از دانشجویان است. به عبارت دیگر هر چه ویژگی‌های گونه‌شناسی برون‌گرایی افزایش یابد اعتماد اجتماعی بیشتر می‌شود.

بررسی فرضیه ۳. اعتماد اجتماعی با ویژگی‌های گونه‌شناسی نژندی همبستگی معناداری دارد.

جدول ۴. آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و ویژگی‌های گونه‌شناسی نژندی

گونه‌شناسی نژندی	استادان	کارکنان	دانشجویان
r	-/.۱۷۸**	/.۰۳۲	-/.۰۶۵
Sig	/.۰۰۵	/.۵۹۵	/.۰۹۳
N	۲۵۴	۲۸۰	۶۷۸

با توجه به نتایج به دست آمده رابطه یا همبستگی اعتماد اجتماعی با گونه‌شناسی نژندی فقط در گروه استادان معنادار بوده و این در حالی است که رابطه آنها منفی و معکوس می‌باشد. به عبارت دیگر هر چه ویژگی‌های گونه‌شناسی نژندی

۵۱ ❖ رابطه اعتماد اجتماعی با گونه‌های شخصیتی

در استادان کمتر باشد اعتماد اجتماعی در آنها بالاتر می‌رود.

بررسی فرضیه ۴. اعتماد اجتماعی با ویژگی‌های گونه شخصیتی انسجامی همبستگی

معناداری دارد.

جدول ۵. آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و ویژگی‌های گونه شخصیتی انسجامی

دانشجویان	کارکنان	استادان	گونه شخصیتی انسجامی	
/۴۶۴**	/۴۸۴**	/۴۶۶**	r	اعتماد اجتماعی
/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	Sig	
۶۷۸	۲۸۰	۲۵۴	N	

با توجه به نتایج به دست آمده رابطه یا همبستگی اعتماد اجتماعی با گونه شخصیتی انسجامی در هر سه گروه معنادار و رابطه آنها مثبت و مستقیم می‌باشد. همچنین شدت این رابطه در کارکنان بیشتر از دو گروه دیگر است. به عبارت دیگر هر چه ویژگی‌های گونه شخصیتی انسجامی افزایش یابد اعتماد اجتماعی بیشتر می‌شود. بررسی فرضیه ۵. اعتماد اجتماعی با ویژگی‌های گونه شخصیتی شناختی همبستگی معناداری دارد.

جدول ۶. آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و ویژگی‌های گونه شخصیتی شناختی

دانشجویان	کارکنان	استادان	گونه شخصیتی شناختی	
/۲۹۶**	/۵۵۴**	/۳۷۸**	r	اعتماد اجتماعی
/۰۰۰	/۰۰۰	/۰۰۰	Sig	
۶۷۸	۲۸۰	۲۵۴	N	

با توجه به نتایج به دست آمده رابطه یا همبستگی اعتماد اجتماعی با گونه شخصیتی شناختی در هر سه گروه معنادار و رابطه آنها مثبت و مستقیم می‌باشد. همچنین شدت این رابطه در کارکنان بیشتر از دو گروه دیگر و استادان بیشتر از دانشجویان است. به عبارت دیگر هر چه ویژگی‌های گونه شخصیتی شناختی افزایش یابد اعتماد اجتماعی بیشتر می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در گروه دانشجویان، گونه شخصیتی شناختی و در گروه استادان و کارکنان، گونه شخصیتی برون‌گرایی در طبقه بالا می‌باشد. با توجه به آنکه هر سه گروه در فضای دانشگاهی قرار دارند، برجستگی گونه شناختی و برون‌گرایی در هر سه گروه مشهود است. میزان اعتماد اجتماعی در سه گروه استادان، کارکنان و دانشجویان تفاوت معناداری دارد. کمترین میزان اعتماد اجتماعی مربوط به دانشجویان و بیشترین میزان اعتماد در بین استادان می‌باشد. پاتنام معتقد است کسانی که زندگی موفقیت‌آمیزی دارند، دارای اعتماد اجتماعی بیشتری می‌باشند. این یافته، نظریه افه را نیز تأیید می‌کند، او معتقد است:

کسانی که از منابع قدرت، ثروت و اطلاعات برخوردار نیستند، نمی‌توانند هزینه‌های اعتماد را بپردازند، چون اعتماد نابجا ممکن است پیامدهای فاجعه‌آمیزی داشته باشد که کنشگران نتوانند با توسل به ابزارهای دیگر، از خود در برابر آن حفاظت کنند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۸۳).

یافته‌های این مقاله تأیید می‌کند که استادان به علت برخورداری از منابع قدرت نسبت به دو گروه دیگر اعتماد اجتماعی بالاتری دارند.

با توجه به نتایج به دست آمده، رابطه یا همبستگی اعتماد اجتماعی با سه گروه گونه شخصیتی برون‌گرایی، انسجامی و شناختی معنادار و رابطه آنها مثبت و مستقیم می‌باشد. به عبارت دیگر هر چه ویژگی‌های گونه شخصیتی برون‌گرایی افزایش یابد اعتماد اجتماعی بیشتر می‌شود. اعتماد اجتماعی با گونه شخصیتی نژندی فقط در گروه استادان معنادار می‌باشد و این در حالی است که رابطه آنها منفی و معکوس است. به عبارت دیگر هر چه ویژگی‌های گونه شخصیتی نژندی در استادان کمتر باشد اعتماد اجتماعی در آنها بالاتر می‌رود.

یافته فوق بسیاری از نظریه‌ها و یافته‌های تحقیقات دیگر را تأیید می‌کند که به

برخی از آنها در ذیل اشاره می‌شود.

رویکرد روان‌شناختی - اجتماعی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی در ایالات متحده گسترش یافت که منشأ اعتماد اجتماعی را در شخصیت افراد جستجو می‌کرد. مطابق نظر روان‌شناسان اجتماعی، اعتماد اجتماعی بخشی از یک ویژگی گسترده‌تر خصوصیات شخصیتی است که شامل خوش‌بینی^۱، اعتقاد به همکاری^۲ و اطمینان به این موضوع است که افراد می‌توانند اختلافاتشان را کنار بگذارند و با یکدیگر زندگی اجتماعی رضایتمندانه‌ای داشته باشند. اعتماد و خوش‌بینی جزء جدایی‌ناپذیر همان تمایل عمومی به زندگی جمعی هستند. برعکس، کسانی که به دیگران اعتماد نمی‌کنند انسان‌های بدبین^۳ و منفی‌بافی^۴ هستند که قابلیت‌های همکاری اجتماعی و سیاسی را باور ندارند (عبدالملکی، ۱۳۸۷: ۹۵).

بنابراین ویژگی اعتمادکننده بر رابطه بین اعتمادکننده و معتمد رجحان دارد (زتومکا، ۱۳۸۶: ۱۹۹). زتومکا انگیزه‌های اعتماد نمودن را به دو دسته خاص و عام تقسیم می‌کند. به اعتقاد او ممکن است اعتماد به دسته خاصی از مردم ارجاع داده شود یا کل مردم را شامل شود که در دومی اغلب با جهت‌گیری عام همچون خوش‌بینی، گشاده‌رویی، فعال بودن، آینده‌گرایی، میل به موفقیت و مانند آن پیوند دارد (همان: ۱۱۹). زتومکا معتقد است که خلیات اجتماعی به‌عنوان پیامدهای جمعی نشانگان شخصیتی اعتمادپذیری یا شک و تردید که برای اعضای گوناگون جامعه به‌صورت مختلفی ظاهر می‌شوند، می‌توانند موجب ترغیب یا سد راه تبلور فرهنگ اعتماد شوند. خلیات اجتماعی شامل: نشانگان شخصیتی انگیزه اعتماد کردن، فعال‌گرایی، خوش‌بینی، جهت‌گیری معطوف به آینده، سطح بالای آرزوها و جهت‌گیری معطوف به موفقیت می‌شود. در مقابل انفعال‌گرایی،

1. Optimism
2. A Belief in Cooperation
3. Pessimistic
4. Cynical

❖ حال‌گرایی، جهت‌گیری تقلیدی، سطوح پائین آرزوها و هم‌نوایی نشانگان شخصیتی (و در سطح جامعه خلیات اجتماعی) هستند که موجب ظهور فرهنگ اعتماد و بی‌اعتمادی می‌شوند و از طریق تقلید، همانندسازی و تأیید متقابل افزایش می‌یابند (همان: ۲۲۴).

بر اساس نتایج تحقیقات گافمن^۱ (۱۹۷۰) و رابرتسون^۲ (۱۹۸۰) افرادی که زیاد اعتماد می‌کنند، سطوح بالایی از رفتار مسالمت‌آمیز را از خود نشان می‌دهند، در صورتی که افراد با اعتماد کمتر، سطوح پایینی از رفتار مسالمت‌آمیز را نشان می‌دهند.

یافته‌های برخی از تحقیقات در ایران نیز حاکی از آن است که متغیر دگرخواهی بیشترین رابطه را با اعتماد اجتماعی داشته است (امیرکافی، ۱۳۷۵) و اعتماد اجتماعی با متغیرهای احساس مسئولیت، پایبندی به نقش‌های اجتماعی و تعهد اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری دارد (پرچمی، ۱۳۷۴). به عبارت دیگر افراد با اعتماد بالاتر با اطرافیان خود رفتارهای مسالمت‌آمیزتری دارند.

بنابراین در راستای افزایش اعتماد اجتماعی باید در تقویت عناصر سه‌گونه شخصیتی شناختی، برون‌گرایی و انسجامی و کاهش عناصر گونه‌نژندی تلاش کرد. عناصر این‌گونه‌ها عبارت‌اند از:

- عناصر شناختی: میل به تجربه‌گرایی، میل به خردورزی، میل به اجتناب از عدم تعین شناختی، میل به نمادگرایی، میل به آینده‌نگری و میل به برنامه‌ریزی.
- عناصر برون‌گرا: میل به فعال‌گرایی آنی، میل به انطباق با محیط اثباتی، میل به کسب موفقیت و تمایل به کنترل محیط.
- عناصر انسجامی: میل به وابستگی عاطفی انضمامی، میل به سازگاری اجتماعی، میل به تعهد انضمامی، میل به وابستگی عاطفی تعمیم‌یافته، میل به خودتنظیمی، میل به تعهد تعمیم‌یافته، میل به عام‌گرایی و میل به بردباری اجتماعی.

1. Goffman
2. Robertson

❖ ۵۵ رابطهٔ اعتماد اجتماعی با گونه‌های شخصیتی

❖ سال سیزدهم، شمارهٔ هجدهم، تابستان ۱۳۹۱

- عناصر نژندی: میل به اضطراب درونی و بیرونی، میل به اعتماد انضمامی (شخصی)، اعتماد تعمیم‌یافته (غیرشخصی) و یأس.

با توجه به آنکه شکل‌گیری اعتماد در فرایند اجتماعی شدن و در دوران کودکی آموخته می‌شود و در بقیهٔ عمر تداوم می‌یابد، ولی علاوه بر آن تجربه‌های فردی در دوران بزرگسالی نیز در شکل‌گیری آن موثرند؛ بنابراین باید به پرورش این عناصر در نهادهای آموزشی و خانواده توجه وافر و مبذول داشت که افراد جامعه از ویژگی‌های گونه‌های شخصیتی که تقویت‌کنندهٔ اعتماد اجتماعی هستند، برخوردار شوند.

منابع و مأخذ

- اتکینسون، ریتا ال و دیگران، (۱۳۸۰). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*، ترجمه حسن رفیعی، تهران: ارجمند.
- ادریسی، افسانه، (۱۳۸۶). «جزوه درسی آمار پیشرفته با تکیه بر نرم‌افزار SPSS»، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
- ادریسی، افسانه؛ احسان رحمانی خلیلی و سیده نرگس حسینی‌امین، (۱۳۹۰). «بررسی و تبیین اعتماد اجتماعی از رویکرد نظریه ساخت‌یابی گیدنز»، فصلنامه *راهبرد اجتماعی - فرهنگی*، شماره ۱، زمستان.
- امیرکافی، مهدی، (۱۳۷۵). «*اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*». کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۸۴). *جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- پرچمی، داود، (۱۳۷۴). «*تعهد اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن*»، کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*، چاپ اول، تهران: نی.
- چلبی، مسعود، (۱۳۸۱). *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- زتومکا، پیوتر، (۱۳۸۴). *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناسی*، مترجم فاطمه گلابی، چاپ اول، تبریز: مترجم.
- زتومکا، پیوتر، (۱۳۸۶). *اعتماد نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران: تهران.
- عبدالملکی، احمد، (۱۳۸۷). «*بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن و چگونگی نقش رسانه در افزایش آن*»، فصلنامه *پژوهش‌های ارتباطی*، سال پانزدهم، شماره ۵۳.

❖ ۵۷ رابطه اعتماد اجتماعی با گونه‌های شخصیتی

❖ سال سیزدهم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۱
محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۸۰). «بررسی مفهوم اعتماد با رویکرد روان‌شناختی اجتماعی»،
نمایه پژوهش، سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان.

AIFS(1991). Australian Living Standards Study, Unpublished questionnaire.

Barbelt, J.M. (1996). "social emotions: confidence, trust and loyalty" in: inter national journal of sociology and social policy.

Cox, E. and Caldwell, P.(2000). "Making Policy Social" , in Winter, I(ed) *Social Capital and Public Policy in Australia*, Australian Institute of Family Studies, Melbourne, PP.43-73.

Hughes, P., Bellamy, J. and Black, A.(2000). "Building social trust through education", in I.Winter (ed) *Social Capital and Public Policy in Australia*, Australian Institute of Family Studies, Melbourne, pp.225-249.

Moore, Christopher W. (1989). *The mediation process, san Francisco*, Jossey – Bass Inc.

Munch, Richard (1988). *understanding Modernity*, London, Routledge.

Uslaner Eric M. (2000). *The Moral Foundations of Trust*, published by Cambridge University Press.